

معماری هم‌زیستی سنت و نوآوری

توسعه معماری ژاپنی

به لحاظ تاریخی، معماری در ژاپن تحت تأثیر معماری چین بود، هر چند تفاوت‌هایی میان هر دو وجود داشت. در چین چوب‌های به کار برده در نما را رنگ می‌کردند ولی در ژاپن به‌طور سنتی آنها را بدون تغییر می‌گذارند. هر چند معماری چین بر گونه‌ای از روش زندگی پایه‌گذاری گشته بود که استفاده از صندلی معمول بود. مردم به‌طور سنتی در ژاپن روی زمین می‌نشستند (سنتی که در دوران میجی ۱۹۱۲ - ۱۸۶۸ شروع به تغییر کرد).

البته آب و هوا نیز در شکل‌گیری معماری ژاپن نیز تأثیر به‌سزایی داشته است. تابستان‌ها در اکثر نقاط ژاپن طولانی گرم و مرطوب هستند و این کاملاً در نحوه ساخت منازل مشهود است. خانه‌های سنتی به‌گونه‌ای ساخته شده‌اند که با کمی فاصله از سطح زمین هوا بتواند در اطراف و زیر خانه حرکت داشته باشد. چوب از مصالح معمول ایشان بود، چرا که در تابستان خنک، در زمستان گرم و در مقابل تکان‌های زلزله انعطاف بیشتری داشت.

در دوره آسوکا (۷۱۰ - ۹۹۳) بودائیسیم از چین به ژاپن آورده شد و معبد‌های بودایی به سبک قاره‌ای ساخته شدند. از این زمان به بعد معماری بودایی تأثیر به‌سزایی در معماری ژاپن داشت.

البته پیش از معماری بودایی معماری شنتو بود که در ژاپن رواج بسیار داشت.

پیروان شینتو بر این باور بودند که کامی (ماهیت ملکوتی) در هر شی طبیعی و یا پدیده‌ای وجود دارد از آتشفشان‌های فعال و کوه‌های زیبا گرفته تا درختان سنگ‌ها و آبشارها. معبد‌های شینتو مکان‌هایی بودند که کامی در آن حفظ می‌گشت و مردم می‌توانستند به پرستش آن بپردازند.

موسیقی، تناسبات خاصی موجب، هارمونی و دلپذیری موسیقی می‌گشتند. طبق منطق اگر با پیروی از تناسبات ریاضی اصوات زیبا خلق می‌شوند، معماری نیز به عنوان یک هنر بصری نیز باید به‌طور منطقی از یک قانون جهانی تبعیت کند. معماری امروزه نه تنها در تقابل با شرایط انسانی سنجیده شده بلکه در تقابل با خودش نیز شناخته شده است. تناسب مطالعه و بررسی زیبایی اجزاء به کل و نسبت کل به خود ما گشت.

انسان پست مدرن و ایدئولوژی مدرنیست متأخر در سال‌های اخیر پس از تولد حرکت «پست مدرن» معماران با این فکر مشغول بوده‌اند که به نحوی گذشته را با بهره‌گیری از تکنولوژی زمان حال از نو مدون سازند.

معمارانمانند رنزو پیانو و غیره که با ماشین‌آلات و زندگی الکتریکی عصر مدرن می‌آمیزند قادرند با شکوه و زیبایی این کار را انجام دهند.

هر فرانک گری معماری که چندان جوان هم نبود موفق گشت که با دوزنقه‌ها و مقاطع مخروطی شکل و ضد محوری در حال پرواز خود سبکی را پرورش و به تکامل برساند. موزه گوگنهایم در بیل باثو نتیجه تلاش یک عمر وی بود که سعی داشت دنیای اطراف خود را مانند مجسمه‌ای شکل دهد. هر چه که مدرن است دارای نشانی از این اثر هنری زنده است.

این معبدها دارای هیچ‌گونه اصول معماری مشخصی نیستند و بالعکس بنا بر طبیعت اطراف خود و مطابق با آن ساخته می‌شدند. از دروازه‌ای مشخص به نام توری (torii) راهی به ساختمان اصلی معبد با فانوس‌هایی سنگی مشخص شده است. برای حفظ خلوص و پاکی معبد، حوضچه‌های آبی تعبیه شده‌اند تا پرستش‌کنندگان بتوانند دست‌ها و دهان خود را بشویند و کومااینو (Komainu) دو فرم شیر مانند در جلوی دروازه یا سالن‌های اصلی اکثر معبدها به عنوان حافظان آن گذاشته شده‌اند.

گاه در بعضی مواقع سالن‌های اصلی موقتی برای حفظ کسامی ساخته می‌شدند. این نوع سبک ساختمان‌سازی گفته می‌شود که به ۳۰۰ ق. م باز می‌گردد. ساختمان اصلی معبد سومیوشی در اساکا مشابه این نوع ساختمان‌سازی معاصر است و این‌گونه تصور می‌شود که نمای ساختمان‌های قدیمی مذهبی را حفظ کرده است.

سبک بسیار متداول دیگری که برای سال‌های اصلی به کار برده می‌شده است. دارای شکل ساده‌ای بود که از انبار غلات و انبار خزانه ژاپن پیش از تاریخ گرفته است. بهترین نمونه آن معبد ایسه Ise در ژاپن است. معبد داخلی به الهه آفتاب Amaterasu Omikami تعلق دارد و معبد بیرونی به الهه گندم Toyouke no Omikami.

نشانه‌هایی از معماری مسکونی را می‌توان در ساختمان اصلی معبد ایزومو مشاهده کرد، ستون‌هایی که مستقیماً در زمین و یا طبقات بلند شده قرار داده شده‌اند. با ورود بودائیسیم به ژاپن ذات پرستش شستو تغییر کرد و ساختمان‌های معبد عناصری را از معماری بودائیسیم گرفتند، برای مثال بسیاری از معبدها به سبک چینی رنگ‌آمیزی شدند، ستون‌های قرمز و دیوارهای سفید. یکی از سنت‌های رعایت شده بازسازی مرتب این بناها بود برای خلوص بخشیدن به فضا (سنتی که

هم‌چنان در معبد ایسه انجام می‌شود) البته عوامل دیگری هم مانند آتش و دیگر فجایع طبیعی انجام این امر را ملزم می‌ساختند، قدیمی‌ترین ساختمان‌های معبد‌های شنتو به قرن‌های ۱۱ و ۱۲ بازمی‌گردند.

با ورود بودائیسیم در قرن ششم مکان‌هایی که برای پرستش بودا تدارک دیده می‌شدند، دارای فرم‌هایی بودند که اصلشان به معماری چین و کره باز می‌گشت و همان‌طور که قبلاً گفته شد این آغازی بود به نفوذ معماری چین در ژاپن و تحت‌الشعاع قرار دادن سنت‌های ژاپنی در معماری. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد بناهایی نیز به صورت عمومی برای رفع احتیاجات راهبان احداث می‌گشت.

در قرن هشتم این ساختمان‌های گروهی از هفت بنا تشکیل می‌شدند: معبد پاگودا، سالن اصلی، سالن سخنرانی، برج زنگ، گنجینه‌ای برای احکام بودا، خوابگاه و سالن غذاخوری. گرداگرد این مکان را دیوار خاکی فراگرفته بود با دروازه‌هایی در دو طرف. طبیعی بود که دروازه‌ها دو طبقه باشند.

در سالن اصلی برجسته‌ترین اشیاء پرستش نگهداری می‌شوند. سالن سخنرانی که در معبد‌های اولیه معمولاً بزرگ‌ترین مکان بود و به عنوان مکانی برای مطالعه، آموزش و انجام مراسم استفاده می‌شد. در دوره نادا (۷۹۴ - ۷۱۰) پایتخت به شکل و سبک پایتخت چین احداث گشت، به گونه‌ای که خیابان‌ها به صورت شطرنجی طراحی می‌شدند. معبد هوریوجی که تحت تأثیر بودائیسیم در سال ۶۰۷ احداث گشت قدیمی‌ترین بنای چوبی در جهان است. در دوره هیان (۱۱۸۵ - ۷۹۴) خانه‌های اشراف به شنیدن زوکوری احداث می‌گشتند، به گونه‌ای که اصلی‌ترین ساختمان‌ها و قسمت‌های خواب و استراحت درست در مرکز قرار داشتند و توسط راهروهایی به دیگر قسمت‌ها متصل می‌گشتند. قصر توسانجو (۱۰۴۳) نمونه‌ای از این سبک است.

در دوران موراماچی انجام مراسم چای بسیار متداول گشت (۱۵۶۸ - ۱۳۳۳) و از آن پس کلبه‌های چای به سبک معماری سوکیا - زوکوری بنا می‌گشتند که مشخصه آنها استفاده از چوب‌های ظریف و سادگی و بی‌آلایشی بناها بود. معمولاً هماهنگی که میان کلبه و باغچه‌ای که در اطراف آن می‌آراستند ایجاد شد برای مردم بسیار دلپذیر بود.

در قرن شانزدهم زمانی که لژهای فنودال بر ژاپن غلبه یافتند، قصرهای زیادی احداث گشتند. هر چند هدف از احداث آنها ایجاد دفاع نظامی بود، با این حال به تقویت نمودن موقعیت این لژها نیز کمک می‌نمود. چند تایی از آنها باقی مانده‌اند و معمولاً به خاطر برج‌های نگهبانی که دارند مورد تحسین قرار می‌گیرند. اتاق‌های نشیمن داخل قصرها را با ظرافت تزیین می‌کردند، و اتاق‌های مطالعه و انتظار را به سبکی به نام شوان زوکوری تزیین می‌کردند. شیروشوان در کیوتو گنجینه‌های ژاپن در این سبک محسوب می‌شود.

پس از بازسازی‌های دوران میجی معماری غربی وارد ژاپن گشت و از سنگ و آجر برای ساختمان بهره گرفته شد. در سال ۱۸۶۸ تکنیک‌های معماری غربی وارد شدند. ساختمان‌های اولیه تحت تأثیر غرب با به‌کارگیری سبک ژاپنی از به‌کارگیری چوب در ساختمان با طرح‌ها و روش‌های غربی احداث شدند. مدرسه ابتدایی در ناگانو طرح استاندارد شده و مشخصی گشت برای تمامی مدارس در سرتاسر ژاپن.

در سال‌های ۱۸۸۰ ناگهان موجی بر علیه غربی شدن ایجاد شد که معماری نیز مستثنی نبود و طرح‌های ژاپنی بار دیگر مطرح شدند. پس از جنگ جهانی اول معماری ژاپنی با حدود معمارانی مانند فرانک لوید رایت (۱۹۵۹ - ۱۸۶۹) از آمریکا و برونو توت (۱۹۳۸ - ۱۸۸۰) از آلمان مورد ارزیابی مجدد قرار گرفت.

در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم نیز همواره تلاش می‌شد تا میان معماری سنتی و مدرن ارتباطی

برقرار شود. تانگه کنزو یکی از شناخته‌ترین و تأثیرگذارترین معماران پس از جنگ موفق گشت معماری سنتی ژاپن را با پیشرفت‌های جدید علمی و تکنیکی جوش دهد. در سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ موفق گشت چندین بنای مطرح منجمله استادیوم‌های یویوگی را برای بازی‌های المپیک ۱۹۶۴ در توکیو طراحی کند.

برای ژاپن که همیشه زلزله خیز بوده است، احداث ساختمان‌هایی ضد زلزله از موارد بسیار دشوار در معماری بوده است. اولین آسمان‌خراش در ژاپن کاسومیگاسکی در سال ۱۹۶۸ با بهره‌وری از جدیدترین تکنولوژی ضد زلزله به پایان رسید. چندین آسمان‌خراش پس از آن احداث شدند.

جدانمودن الویت‌های معماری از مسائل کاملاً تجاری توسط ایسوزوکی آراتا صورت گرفت، او مرد جوانی بود که تحت نظر تانگه کار کرده بود. آثار و نوشته‌های او بر معماران نسل جوان تأثیر به‌سزایی داشت. سال‌های ۱۹۷۰ معمارانی به ظهور رسیدند که بر جنبه هنری معماری تأکید داشتند که کاملاً از روش قبلی که تأکید بر تخصص تکنیکی داشت جدا بود.

در سال‌های ۸۰ دفتر معماری داخلی ژاپن نیز غیر از معماران خارجی بسیار فعال بودند ولی با شکست اقتصادی در سال‌های اولیه دهه ۹۰ در معماری وقفه‌ای ایجاد شد. هر چند در میان کارهای برجسته این سال‌ها می‌توان به دفتر دولتی متروپولیتن توکیو در سال (۱۹۹۱) و فوروم بین‌المللی توکیو در سال ۱۹۹۷ که هر دو از شاهکارهای تانگه کنزو هستند اشاره داشت.

معماران ژاپنی در طول دهه‌های ۸۰ و ۹۰ موفق به کار در خارج از ژاپن شدند و پروژه‌های مهمی را مانند «موزه هنرهای معاصر لس‌آنجلس»، «ایسوزاکی»، «تانگه»، مرکز OUB در سنگاپور، طراحی شهری در شانگهای و گواندزو چین» و «آندو تاداه» «برج مکاشفه در مرکز یونسکو در پاریس» و بسیار معماران دیگر

ماکی فومیهیکو، کوروکاو اکیشو را در سابقه تاریخی معماری خود دارند. آن دو موفق به دریافت چندین جایزه برجسته معماری نیز شده‌اند، «جایزه پرینتزر» و «مدال سلطنتی طلا» از مؤسسه سلطنتی معماران انگلیس در سال ۱۹۹۷.

تازه‌های نشر

راز پیشرفت معماری مدرن ژاپن از ۱۸۶۸ تاکنون
نویسنده: دیوید بی استوارت

این تحقیق پیشرفته با بهره‌وری از صدها تصویر و منابع اولیه به وضوح هر آن‌چه را که به طور بنیادی ژاپنی است در معماری مدرن ژاپن نشان می‌دهد. بانک‌ها و مدارس اواخر قرن ۱۹ میلادی با فراوانی تزئینات و نظم حاکم بر آنها گویی که به انگلستان دوره ویکتوریا تعلق دارند. اما تجدید بنای هتل ایمپریال توکیو توسط فرانک لوید رایت خبر از شروع مدرنیسم می‌داد. در دهه ۱۹۳۰ سبک سلطنتی ترکیبی بود از تمامی سبک‌های اریستالیزم (شرقی) اکسپرسیونیسم، ریسانسیتیو و منطق‌گرا. با پایان دهه ۳۰ سبک بین‌المللی هم تقریباً به آخر خود رسیده بود. معمارانی همچون کنز تانگه، آراتا ایسوزاکی و کوزو سینوهارا راه‌های جدیدی را برای ترکیب عناصر ژاپنی و غربی پیدا کردند. آن‌چه که بیشترین توجه را در این راستا به خود معطوف ساخته بود، طراحی اقامتگاه‌های خصوصی کوچکی بود با توجه به مفهوم ژاپنی معماری از فضا به عنوان خلاء که اطراف ساختمان را از صافی می‌گذراند. استوارت در ضمن نشان می‌دهد که چگونه غربی‌ها آن‌چه را که رایت و لکوربوزیه از ژاپنی‌ها تأثیر گرفته و متعاقباً تأثیر گذاشته‌اند را می‌ستایند. استوارت در انستیتو تکنولوژی توکیو تدریس می‌کند.

سال ۱۹۸۸ یادبود چهارمین نسل بعد از بازسازی میجی در سال ۱۸۶۸ بود که موقعیت ژاپن را از لحاظ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در دنیای مدرن مشخص می‌سازد. دوره‌ای از تاریخ که شاهد اوج، شکست و تولد مجدد ژاپن معاصر بود و به‌طور گسترده‌ای درباره آن نیز نوشته شده است. هر چند در حیطه معماری ما اطلاعات کافی از این زمان که بیش از یک قرن می‌باشد نداریم. و دقیقاً در این شکاف است که معماری مدرن ژاپن شکل می‌گیرد.

برونو زوی و معماری مدرن
نویسنده: آندره اوپنهایم‌ردین

در این کتاب برونو زوی به صورت قهرمان نوآوری مدرنیست در معماری و مبارزی بر علیه فاشیسم به تصویر کشیده شده است. او به کار فرانک لوید رایت و لکوربوزیه ایمان داشت و بر این باور بود که نظم ارگانیک در طرح جوهره اصلی معماری مدرن است. زوی ضد بین‌المللی کردن و ضد گیدیون بود. (به کتاب فضا، زمان و معماری نوشته اس گیدیون رجوع شود) کتاب اول او «به سمت معماری ارگانیک» سال ۱۹۵۰ به چاپ رسید. زمانی که تحت حکومت موسیلمینی فاشیسم سرتاسر ایتالیا را فرا گرفته بود برونو زوی هنوز یک نوجوان بود. زوی باورهای سختی در مقابل معماران فاشیست سال‌های ۲۰ و ۳۰ داشت. معماران مدرنی که به تهنایی به باور زوی، تأثیر مستقیمی بر روی معماری مدرن و روش جدید نگرش پویا به جهان را داشتند، یک به یک درمی‌گذشتند و به آرامش می‌رسیدند. شرایط نامساعدی که بر اثر روش‌های آموزش سنتی و قدیمی ایجاد شده بود. معماران جوان را به طور مناسب برای جایگزینی آنها آماده نمی‌ساخت. در نتیجه در زیر نور مطبوعات پیروان تصنعی رایت، میس و کوربوزیه دیده شدند. رشد یک دوره در نهایت موجب افول و کپی کردن شده